

جهانی شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان بررسی موردی در دو شهر شیراز و استهبان

دکتر علی اصغر مقدس

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

بیژن خواجه‌نوری

دانش‌جوی دکتری دانشکده‌ی جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

چکیده

جهانی شدن پدیده‌ئی است که در چند دهه‌ی گذشته جامعه‌ی جهانی را با شدت و ضعفی متفاوت تحت تأثیر خود قرار داده و ایران به عنوان یکی از اعضای این جامعه، در دهه‌های پیشین اندک‌اندک تحت تأثیر آن قرار گرفته‌است. با گذر زمان، تأثیر این فرآیند بر ایران بیش‌تر شده‌است و هیچ بُعدی از ابعاد زندگی اجتماعی نیست که به گونه‌ئی درگیر این فرآیند فراگیر نبوده یا مصون از آن باقی مانده‌باشد. این نوشتار، با به‌کارگیری نظریه‌ی واترز که خود آمیزه‌ئی از نظریه‌های گیدنر و رابرتسون است، تلاش دارد تا تأثیر فرآیند جهانی شدن را بر هویت اجتماعی زنان در دو شهر شیراز (مرکز استان فارس) و استهبان (یکی از مراکز شهرستانی این استان) بررسی کمی نمایند. بر پایه‌ی یافته‌های این بررسی، زنان شهر شیراز از آن‌جا که بیش‌تر تحت تأثیر این فرآیند قرار گرفته‌اند، هویت اجتماعی‌شان بیش‌تر دگرگون شده‌است.

واژه‌گان کلیدی

جهانی شدن؛ هویت اجتماعی؛

مقدمه

جهانی شدن یکی از اصطلاحاتی است که دست‌کم در دو دهه‌ی گذشته به‌شدت رواج یافته و مورد استفاده‌ی اندیشه‌مندان علوم اجتماعی و انسانی، و حتا مردم عادی به‌ویژه در کشورهای صنعتی قرار گرفته‌است. این اصطلاح به‌سرعت از کشورهای انگلیسی‌زبان به کشورهای دیگر راه یافته و فراوان به کار گرفته‌شده‌است. کاربردهای گوناگون این واژه، هاله‌ئی از ابهام را در رابطه با شرایط و معنای خود پدید آورده‌است (ماتلار^۱، ۱۳۸۳).

در مورد پیدایش جهانی شدن در میان دانش‌مندان علوم اجتماعی و اقتصادی اختلاف دیدگاه وجود دارد، اما دست‌کم می‌توان گفت که از پس از جنگ جهانی دوم و پیدایش سازمان ملل متحد، این فرآیند به گونه‌ئی برجسته در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه اقتصادی و سیاسی تشدید شده‌است (کوک و کرک پاتریک^۲، ۱۳۷۹). بحث‌های مختلفی که درباره‌ی این پدیده‌ی مهم در مجامع علمی جهان درگرفته، عمدتاً در حوزه‌ی اقتصادی است (همان)؛ زیرا این حوزه از زنده‌گی انسان‌ها به دلیل رشد تجارت و تأثیرات اقتصاد جهانی بر اقتصادهای ملی و محلی، دارای تأثیرهای آشکارتر و فراگیرتر بوده‌است. از دیگر عرصه‌هایی که جهانی شدن در آن متجلی و سبب دگرگونی‌های مختلف در زنده‌گی انسان شده، سیاست، نهادهای بین‌المللی، و سازمان‌های غیردولتی (NGOها و INGOها) است.

ایران در دهه‌های گذشته و به‌ویژه در دو دهه‌ی گذشته با رشدی روزافزون تحت تأثیر این فرآیند قرار گرفته‌است. به‌ویژه در دوره‌ی آقای خاتمی، ایران در بسیاری از پیمان‌های بین‌المللی وارد شده و آن‌ها را پذیرفته‌است. هم‌چنین ما در سال‌های گذشته شاهد کاربرد گسترده‌ی ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی، هم‌چون رایانه، اینترنت، و مانند این‌ها، در میان گروه‌های مختلف مردم به‌ویژه جوانان بوده‌ایم؛ به گونه‌ئی که شمار کاربران اینترنت در ایران از ۲۵۰'۰۰۰ کاربر در سال ۲۰۰۰ به ۴'۸۰۰'۰۰۰ کاربر در سال ۲۰۰۵ رسیده که نشان‌دهنده‌ی رشدی ۱۸۲۰ درصدی است (آمارهای جهانی اینترنت^۳، ۲۰۰۵). در عرصه‌ی اقتصادی نیز اقتصاد ایران در دو دهه‌ی گذشته تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم اقتصاد جهانی بوده‌است، به گونه‌ئی که

1. Mattelart, A.
2. Cook, Paul, and Kirk Patrick, Colin
3. Internet World Stats



بحث خصوصی‌سازی اقتصادی و ورود ایران به سازمان تجارت جهانی در سال‌های اخیر به شدت پی‌گیری می‌شود.

بنابراین، امروزه فرآیند جهانی شدن اهمیتی فراوان در زنده‌گی اجتماعی ایرانیان دارد. زنان نیمی از جمعیت ایران را می‌سازند و پیدا است که با رشد حضور زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی-اقتصادی، و به‌ویژه در مراکز علمی، آن‌ها تحت تأثیر این فرآیند قرار گرفته‌اند. این فرآیند هم‌چون فرآیندهای دیگر رابطه‌ئی دیالکتیکی با زنان دارد و آن‌ها به شیوه‌های گوناگون به آن واکنش نشان می‌دهند. یکی از تأثیرهای جهانی شدن بر زنان، دگرگونی در فرآیند تولید و بازتولید هویت اجتماعی آن‌ها است. امروزه بررسی هویت اجتماعی زنان بی توجه به فرآیند جهانی شدن، ناقص و کم‌ارزش خواهد بود.

هدف این پژوهش مقایسه‌ی هویت اجتماعی زنان شیرازی و استهبانی با نگرش به فرآیند جهانی شدن و تأثیرهای آن است. شیراز به عنوان مرکز استان فارس به لحاظ تجاری و اقتصادی و ارتباط با کشورهای پیرامون خلیج فارس موقعیتی ممتاز دارد. استهبان نیز عمدتاً شهری است کوچک در استان فارس که دارای بافتی متفاوتی با شیراز است. بررسی این دو شهر مطالعه‌ی تطبیقی مناسبی فراهم می‌سازد.

چهارچوب نظری

دسته‌بندی‌های گوناگونی درباره‌ی نظریه‌های جهانی شدن مطرح شده که یکی از مهم‌ترین دسته‌بندی‌ها را بارت و مک‌کالم^۱ (۱۹۹۷) ارائه داده‌اند و دسته‌بندی دوبخشی مک‌گرو^۲ را که بر نظریه‌های تک‌علیتی و چندعلیتی مبتنی است گسترش داده و دسته‌ئی مبتنی بر فرآیندها به آن افزوده‌اند. آن‌ها سه گونه نظریه‌ی جهانی شدن معرفی می‌کنند: (۱) نظریه‌های منطقی تک‌علیتی که دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ئی از علت‌ها هستند که منطبق علی جهانی شدن را در قلمرو نهادی ویژه یعنی اقتصاد، فن‌آوری، و سیاست به کار گرفته‌اند؛ (۲) نظریه‌های منطقی چندعلیتی که بر چند عامل تکیه می‌کنند اما رابطه‌ی میان این عامل‌ها را در نظر نمی‌گیرند؛ (۳) نظریه‌ی فرآیند تعاملی، که جهانی شدن را فرآیندی می‌دانند که از دگرگونی چندجانبه تشکیل شده‌است (همان). در این بررسی، به دلیل منطقی‌تر و کامل‌تر بودن، تنها به آن دسته نظریه‌ها می‌پردازیم که دیدگاه‌های فرآیندی دارند.

1. Barrett, M., and McCallum, C.

2. McGrew

نظریه‌ی مورد نظر در این پژوهش نظریه‌ی واترز^۱ است که خود از آمیزش نظریات گیدنز^۲ و رابرتسون^۳ پدید آمده‌است. نظریه‌ی این سه نظریه‌پرداز بر پایه‌ی دسته‌بندی بارت و مک‌کالوم، در دسته‌ی سوم نظریه‌های جهانی شدن (نظریه‌های فرآیند تعاملی) جای می‌گیرد.

از آن‌جا که نظریه‌ی گیدنز و رابرتسون درباره‌ی جهانی شدن، در سطوح کلان نظری مطرح شده‌است و دیدگاه آن‌ها را نمی‌توان مستقیماً به سطح خرد پیوند داد، بنابراین، با استفاده از نظریه‌های دیگر که در جای خود مطرح خواهد شد، شیوه‌ی ارتباط آن‌ها را با سطح خرد تشریح خواهیم کرد.

واترز با بررسی نظریه‌های گوناگون جهانی شدن، دو نظریه‌ی گیدنز و رابرتسون را که فراگیرتر از نظریه‌های دیگر دانسته‌است در هم می‌آمیزد. دیدگاه‌های گیدنز و رابرتسون را می‌توان به دلیل چندعلیتی یا چندبُعدی بودن، و هم‌چنین تأکید آن‌ها بر ذهنیت و فرهنگ به عنوان عوامل عمده در شتاب کنونی فرآیند جهانی شدن در هم آمیخت (واترز، ۲۰۰۴: ۱۴). در دیدگاه گیدنز این فرآیند جدا از فرآیند پیشین خود یعنی مدرنیته نیست. به سخن دیگر، جهانی شدن تشدید روابط اجتماعی در سطح جهانی است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۷). این روابط تشدیدشده به گونه‌ئی است که موقعیت‌های مکانی بسیار دور را به یک‌دیگر پیوسته‌است. در این توصیف، گیدنز درباره‌ی دو مقوله‌ی زمان و مکان بحث کرده‌است. وی خودمختاری نسبی زنده‌گی اجتماعی محلی و خاصیت بازاندیشی را که برآمده از نظریه‌ی کلی وی در باب ساختاربندی است، مورد توجه قرار داده‌است. ویژه‌گی بازاندیشی نشان می‌دهد که مناطق مختلف به گونه‌ئی فزاینده نسبت به ارزش‌ها و امکاناتی که سرچشمه‌ی تنش در اجتماع آن‌ها است، حساسیت نشان می‌دهند. منطقه‌ئی شدن^۴ نیز در دیدگاه وی، اشاره به بازسازی بازاندیشانه در رویارویی با گرایش‌های غیرانسانی، خرد ابزاری، و کالایی کردن ارزش‌ها دارد (واترز، ۲۰۰۱: ۵). از سوی دیگر، رابرتسون با دیدگاهی فرهنگی و منسجم به عنوان یکی از چهره‌های برجسته‌ی جهانی شدن، همانند گیدنز، بر این باور است که جهانی شدن هم به فشرده‌گی جهان، و هم به افزایش آگاهی از جهان به عنوان کلی یگانه اشاره دارد (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۳۵). بخش نخست دیدگاه وی درباره‌ی فشرده‌گی جهان، با دیدگاه‌های وابسته‌گی و نظام‌های جهانی همانند است (همان: ۷۳). به سخن دیگر، وی

1. Waters, M.
2. Giddens, A.
3. Robertson, R.
4. Localization



به افزایش وابسته‌گی سامانه‌های ملی به وسیله‌ی تجارت، اتحادهای نظامی، سلطه، و هم‌چنین امپریالیسم فرهنگی اشاره می‌کند (واترز، ۲۰۰۱: ۴). اما مؤلفه‌ی دوم تعریف وی که مهم‌تر از مؤلفه‌ی نخست است، موضع افزایش آگاهی از جهان به عنوان یک کل است.

بنابراین، برای رابرتسون، جهانی شدن دربرگیرنده‌ی چند فرآیند نسبی شدن است. منظور وی از این اصطلاح این است که چه‌گونه با پیش‌رفت جهانی شدن، دیدگاه‌های ویژه پابرجایی خود را از دست می‌دهند و شیوه‌ی مشارکت فرد و جمع در این فرآیند دست‌خوش تنش می‌شود (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۷۴). به باور وی، این تصویر از جهانی شدن، نخست به جهانی بوده‌گی و جهانی شدن دوره‌ی معاصر مربوط می‌شود؛ و بنابراین جهانی شدن تبدیل مرجع‌های فردی به مرجع‌های عام و فراملی است. بر این اساس است که وی طرح خود را بر پایه‌ی پیوند این چهار عنصر فرهنگی، اجتماعی، و پدیدارشناختی می‌داند: فرد (خود)؛ جوامع ملی؛ نظام جهانی جوامع؛ و بشریت (همان: ۷۰). برآیند این پیوندها، نسبی شدن هویت‌ها و نسبی شدن جوامع (ملی)، و هم‌چنین دو مسئله‌ی فرد-جامعه و ره‌آلیسم سیاسی-بشریت است. در برخوردگاه این چهار نظام، دو گونه‌ی نسبییت دیگر می‌توان یافت: نسبی شدن مرجع ملی، و نسبی شدن شهروندی (همان).

در دیدگاه گیدنز نیز می‌توان سه فرآیند مهم را بازشناخت: تمایز زمان-مکان، از جا کنده‌شدگی یا مکان‌زدایی^۱، و بازاندیشی. بر پایه‌ی دیدگاه ترکیبی واترز، جهانی شدن دربرگیرنده‌ی شش مؤلفه است (واترز، ۲۰۰۱: ۱۴-۱۶):

۱- جهانی شدن دست‌کم با نوسازی هم‌زمان است.
 ۲- جهانی شدن روابط دوسویه‌ی همه‌ی پیوندهای اجتماعی-فردی را در بر می‌گیرد.

۳- جهانی شدن دربرگیرنده‌ی پدیدارشناسی فشرده‌گی است. این پدیدارشناسی به زمان و مکان بازمی‌گردد و. جهانی شدن حذف پدیدارشناختی مکان و فراگیر شدن زمان است.

۴- پدیدارشناسی جهانی شدن بازاندیشانه است. ساکنان کره‌ی خاکی، خودآگاهانه خود را با جهان یک کل سازگار می‌سازند.

۵- جهانی شدن دربرگیرنده‌ی فروریختن عام‌گرایی و خاص‌گرایی است. رشد شتابان جهانی شدن با در هم شکستن زمان و مکان سبب شده تا جداسازی‌هایی

هم‌چون گمین‌شافت و گزل‌شافت^۱، حوزه‌های عمومی و خصوصی، کار و خانه، نظام و زنده‌گی جهانی دیگر به کار نیایند.

۶- جهانی شدن دربرگیرنده‌ی خطر و اعتماد است. در فرآیند جهانی شدن افراد به اعتماد کردن به اشخاص ناشناخته، نیروها، هنجارهای غیرشخصی (بازار یا حقوق بشر)، و به الگوهای مبادله‌ی نمادینی که به نظر می‌رسد بیرون از کنترل فرد یا گروه ملموسی باشد کشیده می‌شوند.

کوتاه این که می‌توان چنین برداشت کرد که در همه‌ی این نظریه‌ها پنج بُعد از جهانی شدن بررسی شده‌است: بُعد اقتصادی؛ بُعد فرهنگی؛ بُعد فن‌آوری؛ بُعد سیاسی؛ و سرانجام بُعد ساختار اجتماعی. اما به دلیل پیش‌گیری از گسترده‌گی پژوهش، بر پایه‌ی دیدگاهی ترکیبی، سه بُعد ساختار اجتماعی، فن‌آوری، و فرهنگی به عنوان ابعاد جهانی شدن به کار آمده‌است.

جهانی شدن و ساختار اجتماعی

شمار بررسی‌هایی که به جهانی شدن و جامعه پرداخته‌اند، از بررسی‌های دیگر کم‌تر است. در این بررسی‌ها عمدتاً به قطبی شدن اجتماعی^۲، مهاجرت، دموکراتیزه شدن، تغییر در مفاهیم فضا، مرکز-پیرامون، و شبکه‌ها (استوارت^۳، ۲۰۰۳)، دگرگون شدن علائق اجتماعی و پیرامونی (وودوارد^۴، ۲۰۰۱)، دگرگونی شدن مرزهای سنتی خانواده‌ها به دلیل کاربرد اینترنت (استوارت، ۲۰۰۳)، رشد فردگرایی، مصرف‌گرایی، و نابرابری‌های اجتماعی (هریوت و اسکات-جکسون^۵، ۲۰۰۲)، تأثیرهای متناقض جهانی شدن هم در جهت توان‌مندی و هم ناتوان‌سازی زنان، شرایط اجتماعی کار، و جنسیتی شدن آن (دویل^۶، ۲۰۰۲) توجه شده‌است. در همین بُعد است که به تأثیر جهانی شدن بر سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی اقتصادی، اشتغال، و تأثیر آن بر نظام‌های ارزشی و نقش‌های جنسیتی اشاره می‌شود.

جهانی شدن با دگرگون‌سازی سامانه‌های ارزشی و نقش‌های جنسیتی بر وضعیت تأهل افراد و سن ازدواج در میان زنان و مردان تأثیر می‌گذارد. وضعیت تأهل نیز خود بر هویت مؤثر است؛ زنان همسردار هویتی متفاوت از زنان بی‌همسر دارند. کاهش باروری به دلایلی دیگر هم‌چون تغییر نقش‌های جنسیتی رخ می‌دهد (می‌سون

1. Gemeinschaft and Gesellschaft
2. Social Polarization
3. Stewart, J.
4. Woodward
5. Herriot, P., and Scott-Jackson, W.
6. Doyal, L.



و اسمیت^۱، ۲۰۰۳) از سوی دیگر آموزش یا دگرگونی نگرش‌های زنان، خود می‌تواند به افزایش سن ازدواج و کاهش بارداری، و در نتیجه فرصت بیشتر زنان برای مشارکت در اجتماع بیانجامد که خود در چهارچوب شبکه‌های اجتماعی (مانخ و هم‌کاران^۲، ۱۹۹۷) رخ می‌دهد. شبکه‌های اجتماعی در سطح میانه سبب پیوند جهانی شدن در سطح کلان با هویت اجتماعی افراد می‌شود. جهانی شدن به سرمایه‌ی اجتماعی که درجه‌ی چسبندگی اجتماعی در انجمن‌ها^۳ است (مکلین و هم‌کاران^۴، ۲۰۰۳)، و نیز سرمایه‌ی فرهنگی و اقتصادی زنان می‌انجامد که خود هویت زنان را دگرگون می‌سازد.

جهانی شدن فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی

بسیاری از بررسی‌ها درباره‌ی دگرگونی‌های جهانی فن‌آوری، به‌ویژه فن‌آوری‌های رسانه‌ئی و ارتباطی، مانند اینترنت، وب، پست الکترونیکی، ماهواره، موبایل، و تلویزیون‌های دیجیتالی، تأثیر آن‌ها را بر برنامه‌ریزی و توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی نشان داده‌است (اوستروالدر^۵، ۲۰۰۴). برخی از این بررسی‌ها کاربرد بیشتر اینترنت را توسط نسل جوان‌تر نشان داده‌اند (دیان^۶، ۲۰۰۰)؛ و برخی دیگر بر تأثیر فزونی^۷ شبکه‌های پست الکترونیکی و اینترنت، دگرگون شدن دیدگاه‌های افراد و نزدیک کردن آرا و عقاید آن‌ها، افزایش آزادی‌های فردی، و بالا رفتن توانایی افراد در دستیابی به خبر تأکید داشته‌اند (اده‌ژ و تان^۸، ۲۰۰۰).

به طور کلی، دگرگونی فن‌آوری‌ها در سطح جهانی و پدید آمدن فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نو (ICT)، به عنوان یکی از عناصر سازنده‌ی فرآیند جهانی شدن، اثرهای بسیار مهمی بر رفتارهای اجتماعی انسان‌ها در جهان داشته‌است. نقش فزاینده‌ی ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی، موجب شده‌است که در هر مطالعه‌ئی، مستقیم و غیرمستقیم به کار روند (ران‌تان^۹، ۲۰۰۵). هم‌چنین بسیاری از نظریه‌پردازان، هم‌چون گیلنر و رابرتسون به هنگام گفت‌وگو درباره‌ی این فن‌آوری‌ها، آن‌ها را همراه با دیدگاه‌های فرهنگی درباره‌ی جهانی شدن دسته‌بندی می‌کنند (همان: ۵-۱۰).

1. Mason, K. O., and Smith, H. L.
2. Munch, A., McPherson J. M., and Smith-Lovin, L.
3. Communities
4. MacLean, H., Labette, R., Glynn, K., and Sichuan, S. R.
5. Osterwalder, A.
6. Deane, J.
7. Proliferation
8. Edejer, and Tan
9. Rantanen, T.

از دیدگاه گیدنز یکی از مهم‌ترین تأثیرهای صنعت‌گرایی، دگرگونی در فن‌آوری‌های ارتباطات بوده‌است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۲) و این رسانه‌ها نقشی عمده در تکمیل جداسازی زمان و مکان بازی کرده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۷). به طور کلی، این فن‌آوری‌ها دربرگیرنده‌ی همه‌ی فن‌آوری‌هایی می‌شود که جابه‌جایی اطلاعات را ممکن نموده‌است (هرست و تامپسون، ۲۰۰۳).

فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، هم به لحاظ پردازش و ارائه‌ی اطلاعات مورد توجه است، و هم از این رو که ابزار استفاده‌ی کاربران فردی است. به باور ما، سطح نخست، یعنی ارائه‌ی داده‌ها از راه شبکه‌های اجتماعی تجزیه و تحلیل می‌شود و به صورت داده‌های پردازش‌شده در شبکه، و سرانجام در دسترس افراد و اعضای شبکه قرار می‌گیرد. در این باره می‌توان به فرآورده‌های انبوه فرهنگی هم‌چون فیلم‌های دیسکی و سینمای هالی‌وود، یا دگرگونی رفتار فرهنگی مردم بر اثر امکانات ترابری هوایی، دریایی، و ریلی، و حضور جهان‌گردان اشاره کرد (هلد، ۱۹۹۷).

در اینجا نیاز است بدانیم که زنان دیرتر از مردان و در مقیاسی محدودتر این فن‌آوری‌ها را به کار گرفته‌اند (نپودوئی، ۲۰۰۳). این فن‌آوری‌ها فرصتی مهم برای توان‌مندسازی زنان پدید آورده‌است (هافکین و تاگارت، ۲۰۰۱). توانایی برای مبادله‌ی علائق و دیدگاه‌ها از سوی زنان موضوع عمده‌ی توان‌مندسازی زنان است (لانگ، ۲۰۰۰). دستیابی به دانش و تحصیلات، آگاهی زنان را افزایش می‌دهد و ماهیت ناکانونی، دوسویه، و غیرسلسله‌مراتبی این فن‌آوری‌ها فضایی بی‌همتا برای زنان از نظر گسترش دیدگاه‌ها، باورها، و منافع پدید آورده‌است (هافکین و تاگارت، ۲۰۰۱).

جهانی‌شدن و فرهنگ

برخی از پژوهش‌ها به دگرگونی هویت افراد، به‌ویژه هویت سنتی، پدید آمدن هویت‌های فرهنگی چندگانه (هانگلدرا، ۲۰۰۲)، دگرگونی ارزش‌ها و شیوه‌های زنده‌گی، رفتار هم‌سو با ارزش‌ها و هنجارهای زمینه‌ی فرهنگی بالادست، فرامحلی^۷، و شیوه‌های مصرف و زنده‌گی (یونگل‌سون-نیل و هم‌کاران، ۲۰۰۱)، برهم‌کنش‌ها و دگرگونی‌های

1. Hirst, and Thompson

2. Held

3. Epodoi

4. Hafkin, N., and Taggart, N.

5. Lang, S.

6. Hongladarom, S.

7. Trans-local

8. Youngelson-Neal, H., Neal, A. G., and Fried, J.



فرهنگی برآمده از کاربرد فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی (سورنس و هم‌کاران، ۲۰۰۴) توجه نموده‌اند. از عمده‌ترین مباحثی که درباره‌ی تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر زنان مطرح است، گسترش گفتمان‌های^۱ حقوق بشر و حقوق زنان، و شرایط اجتماعی رها از سلطه است. این گفتمان‌ها بیشتر به‌وسیله‌ی سازمان‌های غیردولتی محلی و بین‌المللی مطرح و با کمک آن‌ها به پیش رانده می‌شود (توحیدی،^۲ ۲۰۰۲).

به باور گیدنز، جهانی شدن فرهنگ، جنبه‌ی بنیادی در پس هر یک از بُعدهای گوناگون نهادی جهانی شدن است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۲). در این بُعد، جهانی شدن واجد دگرگونی‌هایی مهم در زنده‌گی نوع بشر بوده‌است. فرهنگ به عنوان یک کلیت از ویژه‌گی‌های مادی و معنوی، به عنوان شناسه‌ی یک گروه اجتماعی، سرچشمه‌ی هویت اجتماعی است که همراه با دگرگونی‌های مختلف (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فن‌آوری) دگرگون می‌شود (لنسکی و لنسکی،^۴ ۱۳۶۹: ۶۳). اما آن‌چه که بیش‌تر جوامع (به‌ویژه کشورهای در حال توسعه) را تحت تأثیر خود قرار داده، فرآیند فرهنگ‌پذیری است. فرهنگ‌پذیری، به طور خلاصه، برآیند روبه‌رو شدن دو فرهنگ مختلف، و تماس گسترده و مستقیم آن‌ها است (بیتس و پلاگ،^۵ ۱۳۷۵: ۷۲۲). به هر رو، در بررسی‌های جهانی شدن دیده می‌شود که فرآیند جهانی شدن در تشدید آگاهی زنان نسبت به جایگاه زنان مناطق دیگر جهان، ایجاد فرصت‌های مختلف برای برقراری تماس میان آن‌ها، گسترش مباحث و گفتمان‌های حقوق بشر، حقوق زنان، و مانند آن، و هم‌چنین ایجاد زمینه‌های نو برای مشارکت آنان برای دگرگون‌سازی الگوهای نقش جنسیتی مؤثر بوده‌است. این تماس‌ها به دگرگون‌سازی ارزش‌ها و شیوه‌ی زنده‌گی می‌انجامد.

ارزش‌ها، استانداردها، و گفتمان‌های جهانی

در حالی که در عصر مدرن، ایستایی و ناپویایی فرهنگی چیره بوده‌است، آمیزش‌های جهان‌وطنی کنونی نشان‌دهنده‌ی آن است که به جامعه‌ی پا گذاشته‌ایم که به بیان گیدنز دوره‌ی مدرنیته‌ی شدید نامیده می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۹۵). امروزه نسل‌های جوان در مقایسه با پیشینیان خود، نسبت به نفوذهای بین‌المللی و چندقومی، دیدگاهی بازتری از خود نشان می‌دهند. یکی از پی‌آمدهای این وضعیت آن است که امروزه

1. Sornes, J. O., Stephens, K., Keilberg, S., and Browing, L. D.

2. Discourse

3. Tohidi, N.

4. Lenski, and Lenski

5. Bates, and Plog

هدایت‌های اجتماعی در قیاس با گذشته بسیار سیال‌تر و ترکیبی شده‌است. در فرآیند جهانی شدن، برخی مفاهیم فرهنگی به مفاهیمی فراج جهانی و همه‌گیر بدل شده‌است که از مرزهای یک کشور یا یک تمدن، به ملل و تمدن‌های دیگر راه یافته و همه‌گانی شده‌است. مفاهیمی همچون حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق کودکان، و نوگرایی، امروزه به شکل گفتمان‌های حاکم بر روابط بین‌الملل درآمده‌است. هم‌چنین از آن‌جا که ابزارهای فن‌آوری نوین، هم‌چون ماهواره و اینترنت به طور گسترده و عمده در اختیار غرب است، در کنار ارائه‌ی اطلاعات جدید، ایده‌نولوژی غرب‌گرایی نیز هم‌راه با ارزش‌های آن در سطح جهانی ارائه، تبلیغ، و تشویق می‌شود.

این گفتمان‌ها در سطح خرد به شکل برابری‌گرایی بین زن و مرد، و مخالفت با ایده‌نولوژی جنسیتی است. این ایده‌نولوژی نقشی مهم در پیوندهای خانواده‌گی و فرآیند تصمیم‌گیری زناشویی و خانواده بازی می‌کند. درباره‌ی رابطه‌ی ایده‌نولوژی جنسیتی همسران، با گفت‌وگو در تصمیم‌گیری‌های خانواده‌گی و خوشنودی زناشویی پژوهش‌های فراوانی انجام شده‌است (دن‌تون، ۲۰۰۴). امروزه بسیاری از اندیشه‌مندان بر این باور اند که در جوامع، گذشته از نقش زاینده‌گی، نقش‌های دیگر به‌ویژه به لحاظ اجتماعی توسط مردان تعریف شده‌است که چیره‌گی بی‌رقیب خود را در طول تاریخ حفظ کرده‌اند (می‌سون و اسمیت، ۲۰۰۳).

شیوه‌ی زنده‌گی

مفهوم شیوه‌ی زنده‌گی، پیشینه‌ی دراز در بسیاری از رشته‌های علوم انسانی دارد (وه‌آل^۲، ۲۰۰۲:۳۵۹). گیلنز شیوه‌ی زنده‌گی را در سطح خرد بررسی می‌کند (کیدنز، ۱۱۹:۱۳۷۸). برای وی، شیوه‌ی زنده‌گی مجموعه‌ی کم و بیش فراگیر از کارکردها دانسته می‌شود که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد، که روایتی ویژه را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده‌است در برابر دیگران مجسم می‌سازد (همان: ۱۲۰).

هر چه جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد بیش‌تر پسااستی باشد، شیوه‌ی زنده‌گی او نیز بیش‌تر با هسته‌ی واقعی هویت شخصی‌اش، و ساخت و نوسازی آن سر و کار خواهدداشت (همان: ۱۲۰).

یکی از عواملی که به چندگانگی‌گزینه‌های فرد در جوامع نو می‌انجامد، روایی و اعتبار تجربه‌ی بامیانجی است. این تجربه نقشی بارز و ظریف در چندگانگی

1. Denton, M. L.
2. Veal, A. J.



گزینش‌ها بازی می‌کند. با جهانی شدن فزاینده‌ی رسانه‌های ارتباط جمعی، وجود و کارکرد انجمن‌ها و سازمان‌های متعدد و گوناگون، در هر زمینه به چشم و گوش هر کس که خواهان نگرستن و شنیدن باشد می‌رسد، و همین اطلاعات طبعاً راه‌هایی نو برای گزینش در برابر شخص می‌گشاید (همان: ۱۲۴). در چنین موقعیت‌هایی، سرشت بازتابی هویت شخصی ممکن است به همان اندازه که در میان لایه‌های بهره‌مندتر جامعه اهمیت دارد، مهم و حیاتی شمرده‌شود، و به همان اندازه تحت تأثیر پدیده‌ی جهانی شدن قرار گیرد (همان: ۱۲۷).

اما به باور ما، آنچه که در این‌جا سطوح خرد و کلان را به یک‌دیگر پیوند می‌زند شبکه‌های اجتماعی است که به گونه‌ئی واقعی یا مجازی متشکل از افراد است و اطلاعات در آن‌ها وارد و ساخته و پرداخته می‌شود و برای استفاده در اختیار همه‌گان قرار می‌گیرد. آنچه که در شبکه‌های اجتماعی تجزیه و تحلیل می‌شود، به‌وسیله‌ی افراد در باززایی هویت اجتماعی‌شان به کار می‌رود.

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی با معناداری سر و کار دارد و از آن‌جا که معانی ذاتی اشیا نیست، پس پی‌آمد یا برآیند سازگاری و ناسازگاری، و همیشه موضوعی برای گفت‌وگو یا نوآوری بوده‌است (جنکینز^۱، ۱۹۹۶: ۴). بر این اساس، ما نمی‌توانیم هویتی پایدار داشته‌باشیم، بلکه در طول زمان هویت ما دگرگون می‌شود. از این رو است که هویت فرآیندی دانسته می‌شود که نه تنها یگانه نیست بلکه هر فرد چندین هویت دارد (همان: ۴). هویت را می‌توان به فردی و جمعی بخش‌بندی نمود. تفاوت عمده‌ی این دو در این است که نخستین بر تفاوت و دومین بر همانندی تأکید دارد (همان: ۱۹). به سخن دیگر، هویت فردی، یکتا، و هویت جمعی پدیده‌ئی همه‌گانی است. دیدگاه جنکینز در چهارچوب نظریه‌ی ساختاریابی^۲ جای می‌گیرد (همان: ۲۰) و به لحاظ نظری با نظریه‌ی گیدنز در باب هویت شخصی ناسازگار نیست. به نظر جنکینز اگر هویت پیش‌نیاز زنده‌گی اجتماعی است، وارون آن نیز درست است. هویت فردی (پدیدار در خودبودگی^۳) برکنار از جهان اجتماعی دیگران بی‌معنا است. افراد بی‌همتا و گونه‌گون اند، اما خودبودگی به طور کلی سازه‌ئی اجتماعی است (همان: ۲۰). جنکینز با به‌کارگیری الگوی پول^۴ معتقد است که جداسازی جنسیتی سازه‌ئی اجتماعی و نه

1. Jenkins
2. Structuration
3. Selfhood
4. Pool's Model

زیست‌شناختی است که در همه‌ی جوامع انسانی یافته‌می‌شود. محتوا و ویژه‌گی‌های این جداسازی جا به جا متفاوت است، اما در همه جا وجود دارد. بنابراین، جنسیت پدیده‌ئی همه‌گانی است و نه هویتی فردی. جنسیت به لحاظ نشانه‌گذاری محلی-اجتماعی-فرهنگی^۱ تفاوت‌های جنسیتی اهمیت فراوان دارد (همان:۶۰). جنسیت در دیدگاه جنکینز هویتی جمعی و مقوله‌ئی جدا از شکل‌گیری گروه است و از این رو متفاوت از هویت‌های خویشاوندی یا قومی است که بنا به تعریف، اصلی از شناسایی گروهی اند (همان:۶۰).

بنابراین، می‌توان پذیرفت که جنسیت یا هویت جنسیتی، هم پدیده‌ئی فردی و هم پدیده‌ئی جمعی است، و جوامع انسانی به گونه‌ئی گسترده بر پایه‌ی اصلاحات جنسیتی ساخت یافته‌اند. اکنون، مسئله این است که رابطه‌ی میان خودبوده‌گی، انسان‌بوده‌گی، و جنسیت چه گونه است؟

خودشناسایی فردی و خودانگاره‌های^۲ جنسیت نوعاً در پنداره‌ی خودبوده‌گی نقش بنیانی دارد. اما از سوی دیگر، بستر اجتماعی و جبرهای موجود در آن، در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد و بازتولید آن‌ها نقش مهمی دارد و هر اندازه این جبرهای محیطی-اجتماعی سست یا نیرومند باشد، به همان اندازه فرد در رابطه‌ئی دوسویه می‌تواند از مصالح موجود برای ساختن هویت اجتماعی خود بهره‌برداری کند. شرایط موجود در سطح جهانی و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌های نو، و هم‌چنین سازمان‌های محلی، ملی، و فراملی که در گسترش و تعمیق آن‌ها فعال است، امروزه ایده‌ئولوژی مردسالاری را که بر سنت و عرف‌های معمول در جهان تکیه دارد به چالش کشیده‌است. زنان با به‌کارگیری ابزارهای مدرن هم‌چون ماهواره، اینترنت، و تلویزیون‌های دیجیتالی، با شیوه‌هایی نو از زنده‌گی آشنا می‌شوند و آن‌ها را با شیوه‌های سنتی مرسوم خود مقایسه می‌کنند. حضور زنان در عرصه‌های مختلف در همه جای دنیا و به‌ویژه در کشورهای پیش‌رفته‌ی صنعتی، موجب شده تا سایر زنان در بازتعریف هویت اجتماعی خود و نقش‌های‌شان در جامعه، درنگی دوباره کنند، که این، خود پرسش‌های فراوانی در این باره در ذهن آن‌ها پدید آورده‌است.

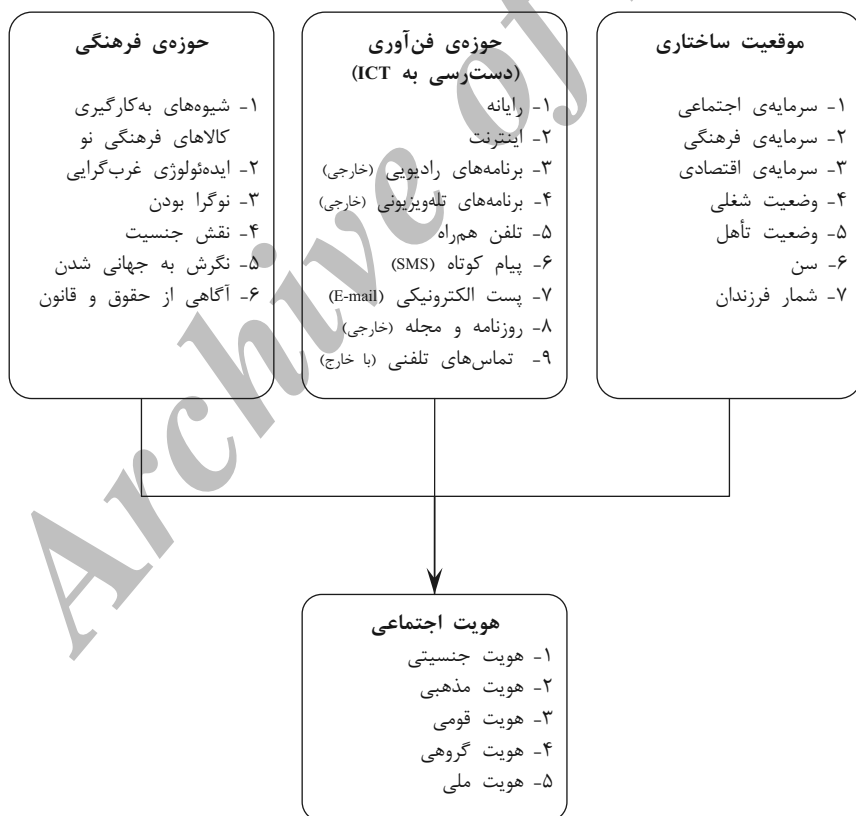
پی‌آیند این برخوردها و رویارویی اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها، دگرگونی هویت اجتماعی زنان است. این دگرگونی محتوا و سوگیری نوینی دارد که هویت زن-امروزی-درگیر در فرآیند جهانی شدن را از زنان سنتی متفاوت می‌سازد. بر این اساس، آن‌ها در

1. Local Socio-Cultural Coding
2. Self-image



پی انکار یا تعدیل هویت‌های پیشین اند، یا راه برون‌رفتی از وضعیت موجود که مبتنی بر پندارهای قالبی است.

هویت فردی زنان مجموعه‌ئی از هویت‌های اجتماعی و دربرگیرنده هویت‌های مذهبی، جنسیتی، گروهی، قومی، و ملی است. این هویت، امروزه تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن و اجزای آن قرار دارد. فرآیند جهانی شدن به‌واسطه ابزارهای فن‌آوری خود شیوه‌های زندگی متفاوت و ایده‌هایی نو پیش روی زنان گذارده و این فرصت را به آن‌ها داده‌است که از میان گزینه‌های گوناگون انتخاب کنند. هم‌چنین، این گزینش با موقعیت‌های ساختاری موجود نیز در ارتباط است. این موقعیت‌ها می‌تواند محدوده‌ی گزینش آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، الگوی نظری تأثیر جهانی شدن بر هویت اجتماعی زنان طراحی شده‌است (نمودار ۱).



نمودار ۱- الگوی نظری پژوهش

روش پژوهش

در این پژوهش، مطالعه‌ی تأثیر جهانی شدن بر هویت زنان بر پایه‌ی تکنیک پیمایش انجام شد. پیمایش بر دو پایه استوار است: نمونه‌ی نمایان‌گر، و ابزار سنجش متغیرها. در این تحقیق برای گزینش نمونه‌ها چند مرحله‌ی زیر انجام شد:

۱- **تعیین جامعه‌ی آماری پژوهش**- جامعه‌ی آماری این پژوهش، زنان ۱۶ تا ۴۵ساله‌ی مناطق شهری شهرهای شیراز و استهبان است. گزینش این طیف سنی به این دلیل بود که دختران نوجوانی که دست‌کم دوره‌ی راهنمایی را گذرانده‌باشند در نمونه بیایند؛ و از سوی دیگر ۴۵ساله‌گی را بیشینه‌ی سن گرفتیم تا تأثیرهای یائسه‌گی را که می‌تواند بر هویت زنان اثر گذارد (انجمن پزشکی بریتانیا، ۱۶:۱۳۸۲ و ۳۷)، کاهش دهیم. افزون بر این، سنین بالاتر کم‌تر تحت تأثیر عوامل اجتماعی اند و هویت آن‌ها کم و بیش پایدار است

شیراز به دلیل مرکز استان بودن‌اش از پیش‌گامان دگرگونی‌های فرهنگی است. استهبان نیز که یکی از شهرستان‌های استان فارس است از نظر پیشینه‌ی تاریخی بافتی مذهبی و سنتی دارد.

بر پایه‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، ۲۴۰'۷۵۹ خانوار در شهر شیراز می‌زیسته‌اند. هم‌چنین، بر پایه‌ی همان سرشماری، شمار زنان ۱۶ تا ۴۵ساله، ۲۷۸'۱۱۱ نفر است. در استهبان نیز ۸'۱۴۰ خانوار در سال ۱۳۷۵ می‌زیسته‌اند که در این میان زنان بین ۱۶ تا ۴۵ساله ۷'۵۹۰ نفر بوده‌اند.

۲- **واحد نمونه‌گیری**- چون جمعیت زنان ۱۶ تا ۴۵ساله در سطح شهر پراکنده است و در جای خاصی در جامعه مستقر نیستند، بنابراین، واحد نمونه‌گیری خانواده است. هر خانواده که دارای یک زن در بازه‌ی سنی یادشده بود که دوره‌ی راهنمایی را نیز گذرانده‌بود، توانسته‌است به صورت بالقوه دربردارنده‌ی واحد تحلیل یعنی زنان ۱۶ تا ۴۵ساله باشد.

۳- **واحد تحلیل**- واحد تحلیل همان جمعیت اصلی یعنی زنان ۱۶ تا ۴۵ساله بود که در یک تحلیل فردی به حساب آمد.

۴- **چهارچوب نمونه‌گیری**- چهارچوب نمونه محدودی مصوب شهرهای بررسی‌شونده بود.

۵- **شیوه‌ی نمونه‌گیری**- شیوه‌ی نمونه‌گیری چندمرحله‌ی-خوشه‌ئی بود. بدین سان که از میان مناطق سرشماری هر شهر، تعدادی منطقه گزیده و سپس در درون هر منطقه به نسبت وجود خانواده‌ها، بخش‌هایی کوچک‌تر به عنوان خوشه در نظر گرفته



شده‌است. خانوارهای درون خوشه‌ها بررسی و در صورت وجود یک زن با مشخصات گفته‌شده در خانواده، با او گفت‌وگو شد. ناگفته نماند که در هر واحد مسکونی، تنها با یک زن گفت‌وگو شد و اگر بیش از یک زن در خانواده بود، یکی از آن‌ها به تصادف گزیده‌شد.

۶- حجم نمونه- حجم نمونه‌ی پژوهش، بر پایه‌ی جداول لین^۱ (۱۹۷۵) به دست آمد. بر این اساس، برای جمعیت ۱'۰۵۳'۰۲۵ نفری در شیراز، با واریانس ۵۰-۵۰ پارامتر در جمعیت و ضریب اطمینان ۹۵ درصد و روایی ۴ درصد، حجم نمونه ۶۰۰ نفر بود. برای استهبان نیز بر اساس جمعیت ۳۱'۱۹۲ نفری، با واریانس ۵۰-۵۰ پارامتر در جمعیت و ضریب اطمینان ۹۵ درصد و روایی ۵ درصد، حجم نمونه با ۳۷۰ نفر بود.

متغیرهای وابسته و مستقل

متغیر وابسته در این پژوهش، هویت اجتماعی زنان است. هویت، بر پایه‌ی نظریه‌ی گیدنز، آگاهی به خود واقعی فرد است. افراد در زنده‌گی روزمره‌ی خویش تلاش می‌کنند که در تعامل با دیگران تصویر خود را با تصویر عمومی در هم آمیزند. این هویت هم‌چنان که گیدنز و گافمن^۲ نیز می‌گویند در کنش‌ورزی با دیگران شکل می‌گیرد. اما آنچه در این میان مهم است این است که هویت واقعی فرد به‌شدت وابسته به شبکه‌ی اجتماعی است که در آن عضویت دارد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۲). بدین منظور، هویت اجتماعی کلی از هویت‌های مذهبی، جنسیتی، قومی، ملی، و گروهی تنظیم و بر اساس طیف لیکرت توسط گویه‌های متعدد سنجیده‌شده‌است.

برای آزمون روایی طیف‌های مختلفی ضریب هم‌بستگی آلفای کرون‌باخ به کار گرفته‌شد. بر این اساس، ضریب آلفای عناصر سازنده‌ی هویت کلی برای دو شهر یادشده چنین بود: طیف هویت جنسیتی با ۱۴ گویه برابر ۰/۷۶؛ طیف هویت قومی، پس از حذف گویه‌های منفی و سست، با ۷ گویه برابر ۰/۷۱؛ طیف هویت گروهی با ۹ گویه برابر ۰/۷۳؛ طیف هویت ملی با ۱۰ گویه برابر ۰/۷۳؛ و سرانجام، طیف هویت مذهبی برابر ۰/۷۵.

متغیرهای مستقل در این پژوهش از سه دسته‌ی عمده‌ی متغیرهای موقعیت ساختاری، حوزه‌ی فن‌آوری (دست‌رسی به ICT)، و حوزه‌ی فرهنگی تشکیل شده‌است.

1. Lin
2. Goffman

- ۱- **موقعیت ساختاری**- در دسته‌ی موقعیت ساختاری، متغیرهای زیر سنجیده‌شد:
- سرمایه‌ی اجتماعی**- برای ساخت سرمایه‌ی اجتماعی منابع داده‌ئی و شمار افرادی که در شبکه‌ی اجتماعی و در اختیار فرد بوده استفاده شده‌است. بر این اساس، شدت رابطه، تعداد و تراکم افراد، و شمار پل‌های ارتباطی فرد در ساختن شبکه‌ی اجتماعی وی به کار آمده‌است. این متغیر در سطح فاصله‌ئی بود.
- سرمایه‌ی فرهنگی**- سرمایه‌ی فرهنگی از آمیزش میزان تحصیلات پاسخ‌گو، پدر و مادر، و همسر او (اگر داشته‌باشد)، و همچنین شمار دوره‌های متفرقه‌ئی که وی برای یادگیری موضوع‌های گوناگون هم‌چون موسیقی، رایانه، و مانند آن گذرانده یا می‌گذراند، ساخته شده‌است. این متغیر در سطح فاصله‌ئی بود.
- سرمایه‌ی اقتصادی**- این متغیر از آمیزش درآمد پاسخ‌گو و همسرش (اگر داشته‌باشد)، و همچنین دارائی‌های خانواده هم‌چون خانه، ماشین، زمین، باغ، موبایل، حساب بانکی درازمدت، حساب بانکی کوتاه‌مدت، سهام کارخانه یا شرکت، اوراق مشارکت، و حساب جاری ساخته شده‌است. این متغیر در سطح فاصله‌ئی بود.
- متغیرهای دیگر موقعیت ساختاری، وضعیت شغلی و وضعیت تأهل در سطح اسمی، و سن و شمار فرزندان در سطح فاصله‌ئی بود.
- ۲- **حوزه‌ی فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی**- در این حوزه، میزان به‌کارگیری رایانه، اینترنت و مشتقات آن هم‌چون گپ اینترنتی و پست الکترونیکی، موبایل و مشتقات آن هم‌چون SMS، ماهواره، تماس‌های تلفنی با خارج، و مطالعه‌ی روزنامه و مجلات خارجی سنجیده‌شد. همه‌ی متغیرها در سطح فاصله‌ئی بود.
- ۳- **حوزه‌ی فرهنگی**- در حوزه‌ی فرهنگی جهانی شدن متغیرهای زیر سنجیده‌شد:
- شیوه‌ی زنده‌گی**- برای سنجش شیوه‌ی زنده‌گی، مؤلفه‌های نوع اندیشه و نوع مصرف گزیده‌شد. برای سنجش مؤلفه‌ی نوع اندیشه دو شاخص اندیشه‌ی غرب‌گرایی و نوگرایی بررسی شد. برای سنجش این شناسه‌ها مجموعه‌ئی از گویه‌ها و پرسش‌ها به کار آمد که از درهم‌آمیزی آن‌ها ۱۹ گویه با ضریب آلفای ۰/۸۰ به دست آمد. برای مؤلفه‌ی به‌کارگیری کالا، زمانی را که فرد صرف بدن‌سازی، حرکات موزون^۱، ابزارهای کاهش اندازه‌های بدن یا کاهش وزن، سونا، بخور صورت و ماساژ، یوگا، آرایش مو، آرایش در خانه یا آرایشگاه، خال‌کوبی و مانند آن، و مطالعه‌ی مجلات یا سایت‌های اینترنتی آرایشی یا بدن‌سازی، سنجیده و در هم آمیخته‌شد. این متغیر در سطح فاصله‌ئی است.

1. Aerobic



ایده‌نولوژی نقش جنسیتی - ابعاد ایده‌نولوژی نقش جنسیتی با پرسش‌هایی درباره‌ی نقش‌هایی که در خانواده و عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی وجود دارد و یافتن دیدگاه زنان درباره‌ی بر دوش گرفتن این نقش‌ها به دست آمد. این متغیر بر اساس طیف لیکرت ساخته و سنجیده‌شد. ضریب هم‌بستگی آلفای کرون‌باخ این طیف با ۱۶ گویه برابر ۰/۷۳ است.

نگرش به جهانی شدن - این متغیر که بر پایه‌ی نظریه‌ی رابرتسون ساخته‌شد، نشان‌دهنده‌ی میزان آگاهی پاسخ‌گویان از روابط جهانی و جایگاه ایران در این روابط است. بر این اساس، تعداد ۱۵ گویه با طیف لیکرت ساخته‌شد. ضریب هم‌بستگی آلفای این طیف برابر ۰/۷۰ بود. این متغیر در سطح فاصله‌ئی سنجیده‌شد.

آگاهی از حقوق و قانون - این متغیر از آمیزش ۵ گویه درباره‌ی آگاهی فرد از قوانین و مقررات حقوقی زنان و کودکان در سطح ملی و بین‌المللی ساخته‌شد. ضریب آلفای این متغیر برابر ۰/۹۲ بود و در سطح فاصله‌ئی سنجیده‌شد.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- آیا جهانی شدن فن‌آوری بر هویت اجتماعی زنان تأثیر دارد؟
- ۲- آیا جهانی شدن فرهنگ بر هویت اجتماعی زنان تأثیر دارد؟
- ۳- آیا موقعیت‌های ساختاری بر هویت اجتماعی زنان تأثیر دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- هویت اجتماعی زنان با سرمایه‌ی اجتماعی آنان رابطه دارد.
- ۲- هویت اجتماعی زنان با سرمایه‌ی فرهنگی آنان رابطه دارد.
- ۳- هویت اجتماعی زنان با سرمایه‌ی اقتصادی آنان رابطه دارد.
- ۴- هویت اجتماعی زنان با وضعیت اشتغال آنان رابطه دارد.
- ۵- هویت اجتماعی زنان با وضعیت تأهل آنان رابطه دارد.
- ۶- هویت اجتماعی زنان با سن آنان رابطه دارد.
- ۷- هویت اجتماعی زنان با شمار فرزندان آنان رابطه دارد.
- ۸- هویت اجتماعی زنان با میزان دسترسی آنان به ICT رابطه دارد.
- ۹- هویت اجتماعی زنان با شیوه‌های آنان در به‌کارگیری کالاهای فرهنگی نو رابطه دارد.

- ۱۰- هویت اجتماعی زنان با گرایش آنان به نوگرایی رابطه دارد.
- ۱۱- هویت اجتماعی زنان با نگرش آنان به نقش-جنسیت رابطه دارد.
- ۱۲- هویت اجتماعی زنان با آگاهی آنان از جهانی شدن رابطه دارد.
- ۱۳- هویت اجتماعی زنان با آگاهی آنان از حقوق و قانون رابطه دارد.

یافته‌های پژوهش

تحلیل توصیفی

جدول ۱، میانگین و انحراف معیار هر یک از شاخص‌های سازنده‌ی هویت را نشان می‌دهد. همچنان که دیده می‌شود از میان عناصر سازنده‌ی هویت کلی نمونه‌ی کل، هویت جنسیتی بیش‌ترین میانگین را دارد (۵۰/۸۵ درصد). پس از آن به ترتیب هویت مذهبی (۳۰/۵۱ درصد)، هویت قومی (۲۸/۵۰ درصد)، ملی (۲۷/۰۷ درصد)، و گروهی (۲۶/۳۷ درصد) بیش‌ترین میانگین‌ها را داشته‌اند.

جدول ۱- آماره‌های شناسه‌های سازنده‌ی هویت کلی به تفکیک شهر

شخص	شهر		شیراز		استهبان		نمونه‌ی کل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
هویت جنسیتی	۷۱/۹۸	۶/۸۷	۴۸/۷۹	۶/۷۳	۵۰/۸۵	۶/۹۹		
هویت قومی	۳۸/۳۴	۵/۵۷	۲۷/۵۱	۵/۳۶	۲۸/۰۵	۵/۵۱		
هویت گروهی	۲۶/۵۷	۵/۸۰	۲۶/۰۱	۵/۲۰	۲۶/۳۷	۵/۶۰		
هویت ملی	۲۸/۰۰	۶/۱۳	۲۵/۳۷	۵/۶۳	۲۷/۰۷	۶/۹۰		
هویت مذهبی	۳۱/۷۰	۷/۵۰	۲۸/۳۷	۶/۰۱	۳۰/۵۱	۶/۸۸		
هویت کلی	۱۳۱/۵۰	۱۹/۸۲	۱۲۱/۲۳	۱۷/۲۳	۱۴۷/۷۰	۱۹/۵۴		

تحلیل استنباطی

در این بخش فرضیه‌های پژوهش را با روش‌های آماری تحلیل واریانس، ضریب هم‌بستگی، و رگرسیون چندمتغیره بررسی و ارزیابی خواهیم کرد. ناگفته نماند که فراوانی‌های نمونه‌های شیراز و استهبان در هر یک از جدول‌ها به دلیل مقادیر مفقوده در متغیر وابسته اندکی تغییر کرده‌است.

جدول ۲ رابطه‌ی هویت اجتماعی زنان را با محل سکونت آنان نشان می‌دهد. با نگاهی به میانگین‌های جدول، دیده می‌شود که تفاوت میانگین هویت زنان شیرازی و استهبانی در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان با $F = ۶۸/۶۲۹$ معنادار است.



جدول ۲- تحلیل واریانس هویت اجتماعی بر حسب محل سکونت

محل سکونت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
شیراز	۶۲۸	۱۳۱/۵۰	۱۹/۸۲	۶۸/۶۲۹	۰/۰۰۰
استهبان	۳۶۹	۱۲۱/۲۳	۱۷/۲۳		

جدول ۳ رابطه‌ی هویت اجتماعی زنان را با وضعیت تأهل آنان نشان می‌دهد. هم‌چنان که دیده‌می‌شود میانگین هویت اجتماعی زنان بی‌همسر از زنان همسر دار بیشتر و این تفاوت در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان با مقدار $F = ۹۶/۲۹۹$ معنادار است.

جدول ۳- تحلیل واریانس هویت اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
بی‌همسر	۶۰۲	۱۳۴/۸۶	۱۹/۲۵	۹۶/۲۹۹	۰/۰۰۰
همسر دار	۳۹۵	۱۲۳/۷۰	۱۸/۲۷		

جدول ۴ رابطه‌ی هویت اجتماعی زنان را با وضعیت شغلی آنان نشان می‌دهد. هم‌چنان که دیده‌می‌شود میانگین هویت اجتماعی زنان شاغل از زنان بی‌شغل بیشتر است. این تفاوت در سطح بیش از ۹۵ درصد اطمینان با مقدار $F = ۴/۱۳۸$ معنادار است.

جدول ۴- تحلیل واریانس هویت اجتماعی بر حسب وضعیت شغلی

وضعیت شغلی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
بی‌شغل	۷۷۴	۱۲۷/۰۲	۲۰/۳۵	۴/۱۳۸	۰/۰۴۲
شاغل	۲۲۳	۱۳۰/۰۴	۱۹/۲۶		

جدول ۵ نشان‌دهنده‌ی تفاوت میانگین شهرهای شیراز و استهبان بر حسب نوگرایی است که هم‌چنان که دیده‌می‌شود در سطح بیش از ۹۹ درصد با مقدار $F = ۶۷/۴۷۲$ معنادار است. به سخن دیگر، زنان شیرازی نوگراتر از زنان استهبانی‌اند.

جدول ۵- تحلیل واریانس نوگرایی بر حسب محل سکونت

محل سکونت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
شیراز	۶۵۱	۷۳/۶۱	۹/۸۱	۶۷/۴۷۲	۰/۰۰۰
استهبان	۳۶۴	۶۸/۳۷	۹/۶۶		

بنا بر آماره‌های آمده در جدول ۶ دیده می‌شود که زنان شیرازی بیش از زنان استهبانی با نگرش‌های نقش-جنسیت مخالف اند و این تفاوت در سطح بیش از ۹۹ درصد با مقدار $F = ۵/۵۲۲$ معنادار است.

جدول ۶- تحلیل واریانس نگرش نقش-جنسیت بر حسب محل سکونت

محل سکونت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
شیراز	۶۵۰	۶۷/۵۲	۷/۷۹	۵/۵۲۲	۰/۰۰۰
استهبان	۳۳۹	۶۶/۲۸	۷/۸۹		

هم‌چنان که در جدول ۷ دیده می‌شود زنان شیرازی بیش از زنان استهبانی باور دارند که دگرگونی‌های جهانی بر جامعه‌ی ایرانی و ساختارهای آن تأثیر می‌گذارد. این تفاوت در سطح بیش از ۹۹ درصد از اطمینان با مقدار $F = ۴۶/۸۶۷$ معنادار است.

جدول ۷- تحلیل واریانس نگرش به جهانی شدن بر حسب محل سکونت

محل سکونت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
شیراز	۶۵۳	۵۳/۹۷	۵/۳۷	۴۶/۸۶۷	۰/۰۰۰
استهبان	۳۶۸	۵۱/۶۵	۴/۸۳		

جدول ۸ نشان‌دهنده‌ی میزان کاربرد کالاهای فرهنگی نو در زنان شیرازی و استهبانی است. هم‌چنان که دیده می‌شود زنان شیرازی بیش از زنان استهبانی چنین کالاهایی را به کار می‌برند. تفاوت میانگین‌ها در سطح بیش از ۹۹ درصد با مقدار $F = ۱۰/۰۳۰$ معنادار است.

جدول ۸- تحلیل واریانس به‌کارگیری کالاهای فرهنگی نو بر حسب محل سکونت

محل سکونت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
شیراز	۶۸۲	۴/۴۲	۵/۲۴	۱۰/۰۳۰	۰/۰۰۰
استهبان	۳۵۴	۳/۴۵	۳/۳۷		

جدول ۹ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی هویت اجتماعی با متغیرهای موقعیت ساختاری، حوزه‌ی فن‌آوری، و حوزه‌ی فرهنگی است. هم‌چنان که دیده می‌شود به جز سرمایه‌ی اقتصادی، همه‌ی متغیرها در سطح دست‌کم ۹۹ درصد اطمینان رابطه‌ی معنادار با هویت اجتماعی دارند.



جدول ۹- آزمون همبستگی میان برخی متغیرهای مستقل با هویت اجتماعی زنان

متغیر	هویت اجتماعی
سن پاسخگو	-.۰۲۸۵ **
شمار فرزندان	.۰۲۸۴ **
نوگرایی	.۰۷۰۵ **
نگرش نقش-جنسیت	.۰۱۷۸ **
نگرش به جهانی شدن	.۰۳۸۳ **
به کارگیری ICT	.۰۲۰۱ **
به کارگیری کالاهای فرهنگی نو	.۰۱۵۳ **
سرمایه‌ی اجتماعی	.۰۲۸۸ **
سرمایه‌ی فرهنگی	.۰۳۳۸ **
سرمایه‌ی اقتصادی	.۰۰۳۷

** P < .۰۰۱

جدول ۱۰ نتایج رگرسیون چندمتغیره را برای تبیین واریانس هویت اجتماعی زنان در دو شهر شیراز و استهبان نشان می‌دهد. در تحلیل ارتباط این متغیرها روش گام‌به‌گام به کار رفت. هم‌چنان که دیده می‌شود، پنج متغیر به معادله‌ی رگرسیونی وارد شده که از میان آن‌ها متغیر نوگرایی بیش‌ترین اثر را بر متغیر وابسته‌ی هویت اجتماعی داشته‌است. این پنج متغیر، روی هم‌رفته نزدیک به ۵۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته‌ی هویت اجتماعی زنان را تبیین می‌کند. ۴۶ درصد دیگر از تغییرات مربوط به عوامل تأثیرگذار دیگر (احتمالاً عوامل روان‌شناختی) است که در این پژوهش بررسی نشده‌است. متغیرهای دیگر در رگرسیون وارد نشدند. معادله پیش‌بینی در مرحله‌ی پنجم با سطح معناداری بیش از ۹۹ درصد، چنین خواهد بود:

$$y = ۴۲,۳۵۵ - ۰,۴۹۴ x_1 + ۰,۵۱۷ x_2 + ۰,۵۲۴ x_3 + ۰,۵۲۹ x_4 + ۰,۵۳۴ x_5$$

جدول ۱۰- متغیرهای وارد شده در معادله‌ی رگرسیون

برای تبیین واریانس هویت اجتماعی زنان

مرحله	متغیر وارد شده	R	سطح معناداری	R ^۲	مقدار افزوده‌ی R ^۲ نسبت به قبل	سطح معناداری	اشتباه استاندارد
اول	نوگرایی	۰,۷۰۳	۰,۰۰۰	۰,۴۹۴	—	۰,۰۰۰	۰,۰۵۶
دوم	سرمایه‌ی فرهنگی	۰,۷۱۹	۰,۰۰۰	۰,۵۱۷	۰,۰۲۳	۰,۰۰۰	۰,۰۱۱
سوم	به کارگیری کالاهای فرهنگی نو	۰,۷۲۴	۰,۰۰۳	۰,۵۲۴	۰,۰۰۷	۰,۰۰۰	۰,۱۳۷
چهارم	نگرش نقش-جنسیت	۰,۷۲۷	۰,۰۰۴	۰,۵۲۹	۰,۰۰۵	۰,۰۰۰	۰,۰۷۷
پنجم	اشتغال	۰,۷۳۱	۰,۰۲۲	۰,۵۳۴	۰,۰۰۵	۰,۰۰۰	۱,۳۶۶

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تأثیرات جهانی شدن را بر هویت اجتماعی زنان در شهرهای شیراز و استهبان بررسی کردیم و از آن‌جا که با روی‌کردی ساختی-فرهنگی به پدیده‌ی جهانی شدن و تأثیرات آن بر پدیده‌ی انتزاعی هویت پرداختیم، از نظریه‌ی واژ/ترز که خود آمیزه‌ئی از دو نظریه‌ی فرهنگی گیدنز و رابرتسون است بهره جستیم.

یافته‌های پژوهش نشان داد که تفاوت‌های معناداری میان زنان شیراز و استهبان به لحاظ نوگرایی، نگرش‌های نقش-جنسیت، آگاهی از جهانی شدن، به‌کارگیری فن‌آوری اطلاعاتی و رسانه‌ئی، و همچنین کاربرد کالاهای فرهنگی نو که خود متأثر از جهانی شدن است وجود دارد. بررسی نشان داد که در همه جا میانگین نمره‌های زنان شیرازی در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان بالاتر از زنان استهباناتی است. بنابراین، روی‌هم‌رفته چنین به نظر می‌رسد که زنان شیرازی بیش از زنان استهبانی تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن قرار داشته‌اند و آگاهی آن‌ها از فرآیند جهانی شدن و تأثیرات آن، از زنان استهبانی بیشتر است.

هم‌چنین تفاوتی معناداری در هویت اجتماعی زنان میان شهرهای شیراز و استهبان وجود دارد. مقایسه‌ی میانگین مؤلفه‌های سازنده‌ی هویت کلی، نشان می‌دهد که زنان شیرازی در هویت جنسیتی مدرن، میانگین بالاتری از زنان استهبانی دارند؛ اما در سایر هویت‌ها، گر چه میانگین زنان شیرازی بالاتر است، اما تفاوت‌ها در مقایسه با هویت جنسیتی، و پس از آن هویت مذهبی، چندان زیاد نیست. این امر نشان‌دهنده‌ی آن است که اندک‌اندک بر هویت جنسیتی نوین زنان شیرازی که متأثر از فرآیند جهانی شدن است افزوده، و از دیگر ابعاد هویت کلی آن‌ها، که دربرگیرنده‌ی هویت‌های قومی، گروهی، ملی، و مذهبی است کاسته می‌شود.

یکی از یافته‌های پژوهش این است که هویت زنان با سه مجموعه از متغیرهای موقعیت ساختاری، حوزه‌ی فن‌آوری و به‌کارگیری ICT، و هم‌چنین حوزه‌ی فرهنگی و عناصر آن رابطه دارد. با نگاهی به یافته‌ها، دیده‌می‌شود که سن پاسخ‌گویان با هویت آن‌ها رابطه دارد؛ به گونه‌ئی که افراد در سنین پایین‌تر بیشتر درگیر هویت‌های نو هستند تا در سنین بالاتر؛ اما داشتن فرزند به زنان همسردار در بازسازی هویت‌شان کمک می‌کند. از آن‌جا که در این پژوهش بر هویت‌های نو بیشتر تأکید شده‌است، دیده‌می‌شود که نوگرایی با این هویت رابطه‌ئی بالا دارد. بنابراین، زنان در ساختن و بازسازی هویت‌شان از کالاهای غربی و نو بیشتر استفاده می‌کنند. مخالفت با نقش‌های جنسیتی نیز با هویت رابطه‌ی مستقیم دارد؛ به سخن دیگر، هر چه افراد



دارای هویت‌های نو باشند، مخالفت بیش‌تری با نگرش‌های نقش-جنسیت سنتی و کلیشه‌ئی دارند.

آگاهی از جهانی شدن با هویت اجتماعی زنان رابطه‌ئی متوسط دارد. یکی از ویژه‌گی‌های مهم جهانی شدن به‌کارگیری فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین (ICT) است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به‌کارگیری این فن‌آوری‌ها با هویت اجتماعی زنان رابطه دارد. به سخن دیگر، هر چه زنان بیش‌تر این فن‌آوری‌ها را به کار گیرند، هویت اجتماعی آن‌ها بیش‌تر به سوی دگرگونی و هم‌سویی با نو شدن می‌رود. این دگرگونی‌ها با متغیری دیگر از حوزه‌ی جهانی شدن فرهنگی، که کاربرد کالاهای نوین فرهنگی است هم‌سویی دارد.

با گسترش فرآیند جهانی شدن در ایران و نفوذ آن در ارکان جامعه، شیوه‌ی کاربری نیز دگرگون می‌شود. گسترش این نوع کاربری‌ها با گسترش کاربرد فن‌آوری‌های نو همراه است؛ زیرا هم‌چنان که گیدنز نیز به‌خوبی اشاره می‌کند، گسترش گزینش افراد به دلیل روایی و اعتبار تجربه‌ی بامیانجی است که در این میان رسانه‌ها و ابزارهای اطلاعاتی جدید نقشی مهم بازی می‌کنند. گستره‌ی نفوذ این فن‌آوری‌ها از مرزهای جغرافیای سیاسی درمی‌گذرد و در خانه‌ها نفوذ می‌کند. رسانه‌ها، نه تنها ابزار جابه‌جایی اطلاعات اند، بلکه با دست‌کاری و دخل و تصرف در آن خود به فرهنگ‌سازی کمک می‌کنند، و به سخن دیگر میانجی فعال اند.

یکی از متغیرهای بررسی‌شده در این پژوهش، شبکه‌های اجتماعی و منابع دستیابی به اطلاعات است که در هم‌آمیزی با یکدیگر سرمایه‌ی اجتماعی زنان را پدید می‌آورد. به باور ما، اطلاعات واردشونده به جامعه، مستقیماً توسط افراد بهره‌برداری نمی‌شود، بلکه در شبکه‌ئی از خویشان، دوستان، و آشنایان پالایش، و سپس توسط افراد استفاده می‌شود. در این‌جا دیده می‌شود که زنان در آفرینش و بازآفرینی هویت خود از منابع موجود در شبکه استفاده می‌کنند و رابطه‌ی این دو متغیر مثبت و نسبتاً متوسط است. این بررسی نشان داد که سرمایه‌ی اقتصادی خودبه‌خود در ساخت و یا بازسازی هویت نقشی مهم بازی نمی‌کند. چنین به نظر می‌رسد که هویت بیش‌تر تحت تأثیر متغیرهای فرهنگی و دیگر موقعیت‌های ساختاری، هم‌چون متغیرهای جمعیت‌شناختی و اجتماعی است. این امر در رگرسیون چندمتغیره نیز دیده می‌شود. نوگرایی بیش‌ترین متغیر تبیین‌کننده‌ی هویت زنان است، و دیگر متغیرهای فرهنگی پس از آن نقش مؤثر دارند. داشتن شغل نسبت به متغیرهای فرهنگی در مرحله‌ی آخر جای می‌گیرد.

- با نگرش به یافته‌های پژوهش پیشنهادهاى زیر می‌تواند سودمند باشد:
- ۱- از آن‌جا که جهانی شدن پدیده‌ئى در حال گسترش و نفوذ در جامعه‌ی ایرانی، و تأثیرگذار بر افراد در سطح خرد است، باید با این پدیده فعالانه روبه‌رو شد و تلاش کرد تا خطرات و آسیب‌های منفی آن حداقل شود.
 - ۲- جهانی شدن در سطح فردی از راه شبکه‌های اجتماعى با افراد در تماس است. باید با مهندسی اجتماعى- درخور، و تشکیل انجمن‌های گوناگون از زنان و مردان به گونه‌ئى فعال اطلاعات و پیام‌های آن را کندوکاو، و افراد را به سود و زیان‌های آن آگاه کرد.
 - ۳- یکی از میانجی‌های مهم جهانی شدن، به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ئى هم‌چون رایانه، اینترنت، و ماهواره است. با نگرش به ناتوانی کشورها از کنترل کاربرد این ابزارها، و هم‌چنین نیاز به بهره‌مندی از آنها، باید راه‌کارهایی اندیشید که در کنار کاهش خطرات، فرصت‌های مناسب برای کاربرد بهینه‌ی آنها پدید آید.
 - ۴- از آن‌جا که جهانی شدن در دوره‌ی کنونی ایران با کاهش هویت‌های گروهی، ملی، قومى، و مذهبی همراه است، باید با سازوکارهای درخور- فرهنگی- علمى به تقویت این هویت‌ها پرداخت.

Archive



منابع

- ۱- انجمن پزشکی بریتانیا. ۱۳۸۲. *بیماری‌های زنان؛ راهنمای پزشکی خانواده*. برگردان منصوره دآوری. تهران: نشر سنبله.
- ۲- بیس، دانیل، و فرد پلاگ. ۱۳۷۵. *انسان‌شناسی فرهنگی*. برگردان محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- ۳- داگلاس، الیور. ۱۳۷۳. *مقدمه‌ئی بر مردم‌شناسی*. برگردان علی بزرگر. تهران: نشر مرنديز.
- ۴- رابرتسون، رونالد. ۱۳۸۲. *جهانی شدن*. برگردان کمال پولادی. تهران: نشر ثالث.
- ۵- شولت، یان آرت. ۱۳۸۲. *نگاهی موشکافانه بر پدیده‌ی جهانی شدن*. ترجمه‌ی مسعود کرباسیان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- فتحیان، محمد، و حاتم مهدوی نور. ۱۳۸۳. *پیش به سوی جامعه‌ی اطلاعاتی*. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری دیباگران تهران.
- ۷- قوام، عبدالعلی. ۱۳۸۲. *جهانی شدن و جهان سوم*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۸- کوک، پل، و کالین کرک پاتریک. ۱۳۷۷. «جهانی شدن، منطقه‌ئی شدن، و توسعه‌ی جهان سوم». برگردان ناصر بیات. *راهبرد* (۱۵ و ۱۶): ۱۶۳-۱۸۶. بهار و تابستان.
- ۹- گیندن، آنتونی. ۱۳۷۷. *پی‌آمدهای مدرنیته*. برگردان محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- ۱۰- لنسکی، گرهارد، و جین لنسکی. ۱۳۶۹. *سیر جوامع بشری*. برگردان ناصر موفقیان. تهران: جامعه و سیاست.
- ۱۱- ماتلار، آرمان. ۱۳۸۳. «دیرینه‌شناسی عصر جهانی: پی‌ریزی یک باور». برگردان جواد گنجی. *ارغنون* ۲۴: ۱۳۵-۱۶۴.
- 12- Afshar, Haleh, and Barrientos, Stephanie (Eds.). 1999. *Women, Gglobalization, and Fragmentation in the Developing World*. London: Macmillan Press LTD.
- 13- Blommaert, Jan, and Donckt, Leselotte Vander. 2002. "Africa literature and globalization: Semiotizing space in a Tanzania novel." [Submitted Manuscript]. *Journal of African Cultural Studies*, August.
- 14- Barrett, Martin, and Carol McCallum. 1997. "Globalization and the employment relationship: Toward an explanatory framework." *Research Papers in International Business*, Paper No. 4-97, ISSN 1366-6290. London: South Bank University.
- 15- Calhoun, K. J., J. T. C. Teng, & M. J. Cheon. 2002. "Impact of national culture on information technology usage behaviour: An exploratory study of decision making in Korea and the USA." *Behavior and Information Technology* 21(4): 293-302.
- 16- Deane, J. 2000. "Information, knowledge and development." Retrieved 12 February 2004 (<http://www.oneworld.org/panos.html>).
- 17- Denton, Melinda Lundquist. 2004. "Gender and marital decision making: Negotiating religious ideology and practice." *Social Forces* 82(3): 1151-1180.

- 18- Doyal, Lesley. 2002. "Putting gender into health and globalization debates: New perspectives and old challenges." *Third World Quarterly* 23(2): 233-250.
- 19- El Shinnawy, M., and A. S. Vinze. 1997. "Technology, culture and persuasiveness: A study of choice-shifts in group settings." *International Journal of Human-Computer Studies* 46:443-467.
- 20- Hafkin, Nancy, and Nancy Taggart. 2001. "Gender, information technology, and Developing countries." Retrieved 16 October 2004. ([http://www.irmahd.ernet.in/ctps/genderandICT/Articles/nancy Hafkin.pdf](http://www.irmahd.ernet.in/ctps/genderandICT/Articles/nancy%20Hafkin.pdf)).
- 21- Hamelink, Cees J. 1997. "New information and communication technologies, social development, and cultural change." *United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD)*, Discussion Paper No. 86.
- 22- Havick, John. 2000. "The impact of the Internet on a television-based society." *Technology in Society* 22: 273-287.
- 23- Herriot, P., and W. Scott-Jackson. 2002. "Globalization, Social Identities and employment." *British Journal of Management* 13: 249-257.
- 24- Hill, Michael W. 1999. *The Impact of Information on Society*. London: Bowker-Saur.
- 25- Hongladarom, Soraj. 2002. "The web of time and the dilemma of globalization." *The Information Society*, 18: 241-249.
- 26- Internet World Stats. 2005. *Usage and Population Statistics*. Retrieved 17 August 2005 (<http://www.internetworldstats.com/stats5.htm>).
- 27- Jaggard, Alison M. 1998. "Globalizing feminist ethics." *Hepatica* 13(2, spring): 7-52.
- 28- Jenkins, Richard. 1996. *Social Identity*. London: Routledge.
- 29- Keeling, David J. 2002. "Latin American development and the globalization imperative: New directions, familiar crises." *Department of Geography and Geology, Western Kentucky University*. Retrieved 16 October 2004 (<http://www.wku.edu/geoweb/>).
- 30- Lang, Sabin. 2000. "The NGO-ization of feminism." IN *Global Feminisms Since 1945* edited by Bonie G. Smith. 2000. London: Routledge.
- 31- Lin, N. 1978. *Foundations of Social Research*. New York: McGraw Hill.
- 32- MacLean, Heather, Ronald Labette, Kava Glynn, and Suzanne R. Sichuan. 2003. "Globalization, gender, & health; Research-to-policy interface." *Yale University Symposium*.
- 33- Mason, Karen Oppenheim, and Herbert L. Smith. 2003. "Women's empowerment and social context: Results from five Asian countries." *The World Bank*. Retrieved 16 October 2004 (http://poverty2.forumone.com/files/13323_womens_empowerment.pdf).
- 34- Mulenga, Derek. 2001. "The impact of globalization on human rights: The challenge for adult educators." *CASAE-ACEEA National Conference 2001-Twentieth Anniversary Proceedings*.
- 35- Munch, Allison, J. Miller McPherson, and Lynn Smith-Lovin. 1997. "Gender, children, and social contact: The effects of childrearing for men and women." *American Sociological Review* 62(4): 509-520.
- 36- Osterwalder, Alexander. 2004. "ICT in development countries." *University of Lausanne*. Retrieved 16 October 2004 (<http://www.hec.unil.ch/aosterwa/Documents/InternetInEmergingMarkets/Publications/ISGLOB03.pdf>).
- 37- Rantanen, Terhi. 2005. *The Media and Globalization*. London: Sage.



- 38- Rex, John. 1995. "Ethnic identity and the nation state: The political sociology of multi-cultural societies." *Social Identities* 1(1): 21-34. Carfax, Oxford.
- 39- Sørnes, Jan-Oddvar, Keri Stephens, Sætre Keilberg, and Larry Davis Browning. 2004. "The reflexivity between ICTs and business culture: Applying Hofstede's theory to compare Norway and the United States." *Information Science Journal* 7: 1-30.
- 40- Stewart, J. 2003. "Investigating ICTs in everyday life: Insights from research on the adoption and consumption of new ICTs in the domestic environment." *Journal Cognition Technology and Work* 5: 4-14.
- 41- Straub, D. W. 1994. "The effect of culture on IT diffusion: E-mail and Fax in Japan and the US." *Information Systems Research* 5(1): 23-47.
- 42- Sunarno, S. H. 2001. "Globalization and information technology: Forging new partnerships in public administration." *Asian Review of Public Administration*, XIII(2): 63-76.
- 43- Szántó, Borisz. 2000. "Globalisation and the dynamics of technical change." *Academic R & D Research Unit*. Budapest Technical University.
- 44- Tan, B. C. Y., K. K. Wei, R. T. Watson, D. L. Clapper, and E. R. McLean. 1998. "Computer-mediated communication and majority influence: assessing the impact in individualistic and a collectivistic culture." *Management Science* 44(9): 1263-1278.
- 45- Tarasiewicz, Malgorzata. 2002. "Using new technologies for enhancing women's participation in EU accession and integration discussion: A case study." *United Nation*, EGM/ICT/2002/EP.5.
- 46- Tohidi, Nayereh. 2002. "The global-local intersection of feminism in Muslim societies: The cases of Iran and Azerbaijan." *Social Research* 69(3): 851-887.
- 47- Veal, Anthony J. 2002. *Leisure, Culture, and Lifestyle*. Canada: Presses de l'Université du Québec.
- 48- Waters, Malcolm. 2001. *Globalization*. London: Routledge.
- 49- Woodward, David, Nick Drager, Robert Beaglehole, and Debra Lipson. 2001. "Globalization and health: A framework for analysis and action." *Bulletin of the World Health Organization* 79: 9.
- 50- Wust, E. L. 2003. "The effect of globalization on the civil engineering profession." Milwaukee, WI: Civil and Environmental engineering, Marquette University.
- 51- Youngelson-Neal, Helen, Arthur G. Neal, and Jacob Fried. 2001. "Global and local culture in the 21st century." *Journal of American and Comparative Cultures* 24(3/4): 31-36.

نویسندگان

دکتر علی اصغر مقدس،

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز
moqadas@shirazu.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکتری جامعه‌شناسی.

زمینه‌های آموزشی: نظریه‌های جامعه‌شناختی، نظریه‌سازی، جامعه‌شناسی صنعتی، و نظریه‌های
فمینیستی.

زمینه‌های پژوهشی: نابرابری اجتماعی، نابرابری جنسیتی، تحرک اجتماعی، جهانی‌شدن، و
فن‌آوری.

بیژن خواجه‌نوری،

دانش‌جوی دکتری دانشکده‌ی جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز
کارشناس آموزش و پژوهش، دانشگاه شیراز

Archive of SID